

فرهنگ سرای «انقلاب اسلامی» میزبان جشنی ویژه روشن دلان بود

برای دل‌هایی که می‌بینند

۴

عیدگاه

و در نگاه جامعه، چشم‌های نداشته این دو خواهر، روی تمام توانمندی‌هایشان سرپوش گذاشته است.

● موانع فرهنگی در مسیر روشن دلان

تربیت برنامه، در اختیار ابراهیم رضایی قرار گرفته است؛ پیرمردی هفتادساله و از یادگاران جنگ تحمیلی که مؤسس هیئت و خیریه جابرین عبدا... انصاری است. این مجموعه علاوه بر برگزاری برنامه‌های مذهبی، حمایت از دو بیست مددجوی نابینا و کم‌بینا را عهده دار است. آقای رضایی که به دلیل کم‌بینایی، همدرد مهمانان مراسم به شمار می‌رود، ترجیح می‌دهد به خیر مقدم و تبریک روز جهانی عصای سفید اکتفا کند و هیچ‌نگوید از زحماتی که برای جذب خیران می‌کشد و نتیجه‌اش شده است مستمری، بسته‌های معیشتی، اهدای لباس و دیگر خدمات خیریه.

معصومه اژدری، مسئول خانه هلال شهید آوینی هم در حاشیه مراسم، درباره مشکلات عمدتاً فرهنگی جامعه نابینایان برآید می‌گوید: مشکلات زیادی در جامعه به چشم می‌خورد که نابینایان راه تنهایی و انزوای اجتماعی وادار می‌کند؛ موانعی آن چنان قوی که برداشتن آن از مسیر زندگی افراد روشن دل را دشوار و فراتر از بضاعت خیریه‌ها کرده است. باور خانواده‌های روشن دلان مبنی بر اینکه فرزندان از پس تأهل بر نمی‌آید و نیز کارفرمایانی که حاضر نیستند به افراد روشن دل اعتماد کنند، دو مشکل اصلی است که اگر در ایام نام‌گذاری شده به گرمی داشت نابینایان، فکری برایش نشود، در دیگر ایام سال، امید چندانی نخواهد رفت.

بوده است تا برای ساعتی، از فضای راکد خانه‌رها شوند. فاطمه تا مقطع دیپلم درس خوانده است و زهرادانش آموخته رشته حقوق است. تفاوت در سطح تحصیلات باعث نشده است در شرایطشان تفاوتی رقم بخورد و هر دو، شبانه روز را در چار دیواری خانه سپری می‌کنند. زهراکه در سش را با تمام دشواری‌های تحصیل برای یک نابینا به پایان رسانده است، بی‌گلیه می‌گوید: توانایی‌های من در این رشته دیده نشده؛ الان با گذشت هشت سال از فارغ التحصیلی ام، دیگر همه درس‌های دانشگاه را فراموش کرده‌ام.

از استقلالش برای انجام کارهای شخصی می‌گوید و اینکه شنیده است که برخی نابینایان و کم‌بینایان، نیمه گمشده خود را پیدا و ازدواج کرده‌اند اما بخت برای او و خواهرش، یار نبوده

فرزانه شهامت از جشنی تمام عیار، هیچ کم ندارد. سالن همایش‌های فرهنگ سرای انقلاب اسلامی، گاه مملو از صدای خنده حضار می‌شود و گاه، طنین موسیقی شاد، فضا را پر می‌کند. مهمانانی که با نگاه‌هایی کم‌فروغ یا بی‌فروغ، با عصا یا با کمک فردی همراه، یکی یکی از راه می‌رسند. لذت حضور در جشن روز عصای سپید را از پشت عینک‌های دودی و با سایر حواس پنجگانه درک می‌کنند. این جشن که به همت خیریه جابرین عبدا... انصاری و خانه هلال شهید آوینی تدارک دیده شده است، پیامی روشن دارد: احترام به کسانی که دنیا را می‌بینند، شاید بهتر و دقیق‌تر از افراد بینا و البته با چشم دل، نه با چشم سر.

● سرپوش روی توانمندی‌ها

بخشی از مهمانان مراسم، از اتباع افغانستان هستند و به احترام حضور آنان، پس از پخش سرود ملی ایران، سرود ملی افغانستان نیز زمزمه می‌شود. صلوات خاصه امام مهربانی‌ها نیز که عامل همدلی مسلمانان دو کشور همسایه است، پخش می‌شود و جمعیت حاضر در سالن، روبه مضجع شریف حضرت، دست ادب بر سینه می‌گذارد. در همه‌همه جشن و برنامه‌هایی که پیاپی اجرا می‌شود، صدای زهرا و فاطمه را به سختی می‌توان شنید. این دو خواهر دو قلو و نابینا، به همراه بانویی سالخورده، که مادرشان است، خود را از محله شهید آوینی به محله پنجتن و این جشن رسانده‌اند. می‌گویند که حضور در این مراسم، فرصتی



بقیه کارهایت هم می‌رسی؟

بله. وقت زیاد است. من در اینترنت وقت گذرانی نمی‌کنم. نمراتم متوسط رو به بالاست، در حد ۱۶ و ۱۷.

● از برنامه استراحتت بگو.

مدرسه‌ام همیشه شیفت ظهر است. شب‌ها بین ساعت ۱۱ تا ۱۰ می‌خوابم و صبح‌ها بین ۷ تا ۸ بیدار می‌شوم.

● پایه نهم هستی و سال تحصیلی آینده باید

انتخاب رشته کنی. گزینه مدنظرت چیست؟

می‌خواهم تجربی بخوانم تا در آینده دندان پزشکی بشوم.

● کونگ‌فو در آینده‌ای که ترسیم کردی، جایی دارد؟

بله. آن قدر ادامه می‌دهم تا در مسابقات جهانی شرکت کنم و مدال بیاورم. تصمیم دارم مربی بشوم اما اینکه در باشگاهی آموزش بدهم که خودم راه انداخته‌ام یا در باشگاهی دیگر، هنوز نمی‌دانم.

● موفقیت‌هایت را مدیون چه کسانی می‌دانی؟

از حمایت‌های خانواده‌ام ممنونم. همچنین از مربی‌ام، شیهان حامد رمضان زاده.

● تا حالا شده از کسی